

حملات جمعه 13 نوامبر در پاریس

نه به حملات نفرت انگیز، نه به وحدت با سرمایه داران

انقلاب جهانی پرلتری یا مرگ بوسیله سرمایه داران

صدها کشته و تعداد بیشمار زخمی و آسیب دیده روانی در وحشت کشته شدن به خاطر حوادث وحشتناک شبانه در 13 نوامبر پاریس.

این وقایع در چند صدمتری دفتر مجله چارلی ابدو صورت گرفت. جایی که کاریکاتوررستهایی چون کابو، چارب، ولینسکی، اونوره و تیگوس کشته شدند و درست بعد از اینکه هواپیمای حامل 240 توریست روسی در سینا بوسیله القاده / داعش منفجر گردید و به کشته شدن همه آنها منجر گردید.

این نوع عملیات کور تروریستی آخرین عملیات از نوع خودش نخواهد بود و این حرکات عجیب و غریب حاکمان از جمله "بستن مرزها" و اعلام "وضعیت اضطراری" و اعلام سه روز "عزای عمومی" جلوی این واقعیت را نمیگیرد که این جنگ هر چه بیشتر خود را گسترش میدهد.

این دیگر یک تروریسم ناشیانه توسط "گرگهای ایزوله شده" نیست بلکه یک جنگ چریکی است که پشت خطوط جبهه جنگ بین دولتهای سرمایه داری کوچک و بزرگ با ایدئولوژیهای متفاوت اعم از "دمکراتیک"، "دفاع از تمدن علیه بربریسیم" "جهادیسیم" (بنیان گذاشتن خلافت)، یا ناسیونالیسم (پان عربیسم یا پان ترکیسم) میباشد.

این جنگ، جنگی بین داعش و غرب (همچنین روسیه) نیست و همچنین بین "بربریسیم" از یک سو و "تمدن" از سو دیگر نمیشود. همه این "تمدنها" صرفنظر از مذهب و سطح تکاملشان، دستهایشان به خون قربانیان بیگناه زیادی آغشته است.

نباید اجازه دهیم که با اسطوره سازی جنگهای جدید مذهبی در سطح جهانی (جنگ بین مسیحیت و اسلام، سنی علیه شیعه، بودایسم و هندو علیه اسلام و...) ما را فریب دهند حتی بوسیله رسانه هایشان و از طریق تصاویر وحشتناک (مثل سربریدن، ویران کردن پالمیرا و مصلوب کردن باستان شناس) همه این ها برای این صورت میگیرد که به توده استثمار شده و تحت ستم بگویند که جنگ کنونی یک جنگ مقدس توسط "دمکراسی" علیه وحشی های جدید" یا آنکه "جنگ مقدس توده های غرق شده در فلاکت و بدبختی کشورهای مسلمان علیه "صلیبیون" است.

این جنگ امپریالیستی در همه جا حضور دارد و فراورده سیستم بحران زده جهانی است: بحران اقتصادی بدون چشم انداز، بحران زیست محیطی در محیط زیست سرمایه داری، بحران عظیم جریان پناهندگی (به خاطر جنگهای داخلی و بلایای زیست محیطی)، فروپاشی دولتهای ضعیف، تکرار مکرر جنگهای داخلی خاورمیانه، آفریقا، آسیای مرکزی (افغانستان، چین، ترکستان).

بعد از مداخله آمریکا در سال 2003 در عراق، مرزهای سیاسی-جغرافیایی خاور نزدیک و میانه بوسیله قبضه های کلاشینکوف و کمربندهای انفجاری و یا گردن زدن با شمشیر جهادیه، با هواپیمای بدون سرنشین برای بمباران کردن مردم (دولت اردوغان علیه کردها و روسها، ایرانیها، فرانسویها، انگلیسیها و امریکاییها علیه داعش در سوریه و عراق، عربستان علیه "شیعه های" طرفدار ایران در یمن) از هر دو طرف از بین رفتند.

در هر صورت همانطور که در آخرین جنگ جهانی و جنگ ویتنام اتفاق افتاد بخصوص مردم بیگناه قربانی این جنگها هستند.

جنگ در سراسر دنیا شدت گرفته است و جهان را تبدیل به جهنمی بزرگ کرده است. مسئول این وضعیت کسی به جز: دولتهای کوچک و بزرگ یا دولتهای در حال تشکیل صرفنظر از ایدئولوژییشان نیست، حتی اگر آنها اهداف جنگی امپریالیستی خودشان را تحت عبارات مذهبی یا "دمکراسی" یا خنده دارتر از همه عبارت بشردوستانه علیه "تروریسم" (از پوتین تا آیت الله های ایرانی، که نشانی آنها طناب دار است) مخفی کنند.

کشتار با شدت تمام همه جا رواج یافته است و این مختص پاریس، جنوب بیروت، و یا در فراز سینا نیست. در دو دهه اخیر هیچ کجا در گستره این زمین نیست که میدان تاخت و تاز افزایش یافته عملیات نظامی درگیریهایی محلی نبوده باشد.

زمانی این حملات معنای پیروزی برای برای تروریسم و "دمکراسی" یا دیکتاتورهای سرمایه داری (چین و روس) میابد که این حملات بعنوان جنگهای اندولوژیک در نظر گرفته شوند. همه دولتها بزرگ و کوچک یا در حال تشکیل (مثل داعش) دولتهای سرمایه داری هستند. اهداف آنها این است که بوسیله جنگ سرمایه ملیشان را حفظ، بیشتر، وسیعتر کنند. آنها پشت انجیل یا قرآن قوانین سرمایه داری را پنهان میکنند و آن قوانین شامل: **پکش تا همه مخالفان یا رقبا از بین بروند؛ دوست بدار دشمن خود را مثل خودت اگر تسلیم گردید یا به سمت "مکه" پایتخت پذیرش قوانین مقدس سرمایه داری (مالکیت خصوصی، اقتصاد کالایی، ایجاد - نابودی طبیعت مثل یک کالا) به زانو افتاد.**

در تمام کشورهای که مورد اصابت حملات تروریستی میباشند درست مثل زمانی که به شارلی ابدو حمله تروریستی شد سخنرانیها حول "وحدت ملی" و "وحدت مقدس" است.

پرولتاریا که ضد ناسیونالیسم و یک طبقه جهانی است (پرولتاریا کشور خاصی ندارد) در مقابل این وضعیت فقط یک جواب دارد: عمومی کردن مبارزه طبقاتی، جنگ طبقاتی علیه همه شکلهای سرمایه داری صرف نظر از برچسب های آنها در تمام جبهه های طبقاتی، علیه سرمایه و بورژوازی چه کوچک و یا بزرگ، و صرف نظر از اینکه در لباس شهری ظاهر شوند یا قبای جهادی بپوشند، یک هدایت کننده هواپیمای بدون سرنشین باشند یا شمشیر بدست با کلشینکف.

تنها یک خیزش جهانی طبقه کارگر میتواند پیروزی وحدت ملی را در تمام جبهه ها جلوگیری کند. وحدت مقدس برای "نجات" "ملت" تنها میتواند جنگهای محلی را به درگیریهایی جهانی تبدیل کند.

پذیرش وحدت ملی، در فرانسه یا جای دیگر به معنی پذیرش مرگ برنامه ریزی شده بوسیله سرمایه داری است. کسانی که در آن شرکت کنند مثل گوسفند قربانی میمانند که به سرمایه داران اجازه میدهند سر آنها را ببرند به این شکل آنها مراسم مرگ خود را فراهم میکنند.

Karlchen, Saturday November 14, 2015

ترجمه به فارسی از نسرين ن